

## بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۸/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۳/۹

رقیه نوری‌بور لیاولی<sup>۱</sup>

رویا رسولی<sup>۲</sup>

### چکیده

**مقدمه:** هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های روانسنجی سیاهه ارزش‌های اخلاقی در جوانان مسلمان است.

**روش:** این پژوهش از نوع زمینه‌یابی می‌باشد. بدین منظور ۱۲۰۰ دانشجو با استفاده از روش تصادفی طبقه‌ای از دانشگاه‌های کشور انتخاب و به سیاهه ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان عبدالله و همکاران (۲۰۱۰) پاسخ دادند.

**یافته‌ها:** آلفای کرونباخ مقیاس برابر با ۰/۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی رضایتبخش مقیاس است و نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس مبین چهار عامل از ۴۸ گویه آزمون بود.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های پژوهش، سیاهه ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان از پایایی و روایی قابل‌قبولی برخوردار است و می‌تواند در جمعیت ایرانی به کار گرفته شود.

**واژه‌های کلیدی:** ارزش‌های اخلاقی، جوانان مسلمان، پایایی، روایی.

---

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه شهید بهشتی، roghiehn@y7mail.com

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه الزهرا

## Investigation into Psychometric Properties of Moral Values Inventory for Muslim Adolescent

Nooripour, R.

Rasouli, R.

### Abstract

**Introduction:** The main purpose of this study was the investigating of Psychometric Properties of Moral Values Inventory for Muslim Adolescent

**Method:** 1200 students were selected by stratified random sampling and completed Muslim Values youth Inventory (Abdullah, 2010).

**Results:** Findings revealed that Cranach's alpha is acceptable ( $\alpha=0.7$ ). Factor analytic investigations have suggested 4 subscales from 48 items. Results suggested substantial evidence for scale validity among Iranian population.

**Keywords:** Moral Values Inventory, Muslim, Youth, Psychometric Properties.

## مقدمه

بسیاری از نظریه‌پردازان گذشته و معاصر مطرح کرده‌اند که ارزش‌ها به عنوان اهداف کلی و فراموقعیتی نقش مهمی در زندگی شخص به عهده دارند. ارزش‌ها به عنوان معیارهای مطلوب هنگام قضاوت کردن در مورد رفتار خود و دیگران، حوادث، انتخاب اهداف زندگی، برقراری روابط با دیگران، شکل دادن و بیان نگرش‌ها و توجیه منطقی اعمال و رفتارها به کار می‌روند. ارزش‌ها که خصیصه یا بخشی از شخصیت تلقی می‌شوند روی سایر ویژگی‌های شخصیتی تأثیر می‌گذارند و همسو با آنها میزان سازگاری فرد را با محیط و دیگران تعیین می‌کنند (احمدی، ۱۳۷۸).

دائرة‌المعارف روان‌شناسی اجتماعی (۱۹۹۶) ارزش‌ها را چنین معرفی می‌کند: «ارزش‌های انسانی اهداف فراموقعیتی هستند که به عنوان اصول راهنما در زندگی یک شخص یا گروه عمل می‌کنند. این ارزش‌ها به عنوان استانداردهای مطلوب هنگام قضاوت کردن در مورد رفتار، حوادث، مردم و... به کار می‌روند (صادقی و حیدری، ۱۳۸۴). از نظر پیترسون<sup>۱</sup> ارزش‌ها مفاهیمی نظری و مطلوبند که بر انتخاب افراد اثر می‌گذارند (عرفانی، ۱۳۸۴). بیسکی<sup>۲</sup> ارزش‌ها را نماد شناختی از نیازهای دنیوی بشر معرفی می‌کند (احمدی، ۱۳۷۸).

ارزش‌ها به عنوان اصول راهنمای مهم زندگی (مایو<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸)، معیارهای مطلوب برای داوری درباره رفتار، رخدادها و مردم در پی‌ریزی و بیان نگرش‌ها و هنگام‌گزینش و مستدل ساختن رفتارها (منستد و هوستون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۶) و باورهای امر و نهی کننده در مورد الگوهای آرمانی رفتار و حالت غایی وجود (روکیچ<sup>۵</sup>، ۱۹۷۳) تعریف شده‌اند. به طور کلی گفته شده که منظور از ارزش‌ها همان سودمندی است و سودمندی یعنی چیزی که به انسان در رسیدن به کمال کمک کند و او را از قید موانع و ضررهایی که مخل رسیدن به کمال است رها سازد (دلخמוש، ۱۳۸۴). علامه محمدتقی جعفری (۱۳۵۷)، به نقل از ملکی، (۱۳۸۴) نیز معتقد است که ملاک اساسی ارزش انسانی چه در حالت فردی و چه در حالت اجتماعی، بهره‌برداری از نیروها و استعدادهای مثبت و سازنده در راه زندگی آزادانه و رو به هدف تکاملی است. وی ارزش را در مفهوم عام آن در نظر می‌گیرد و به همه سودهای مادی و معنوی اشاره می‌کند. بنابراین، هر چیزی که به انسان در راستای زندگی کمک کند ارزش است. در واقع ارزش ادامه حیات و حفظ جامعه را تضمین می‌کند.

بابینز<sup>۶</sup> (۱۳۷۴)، به نقل از فلاح، (۱۳۸۰) معتقد است که ارزش‌ها به طور نسبی ثابت، پایدار و بادوامند، زیرا اساساً آموختنی هستند. به کودکان گفته می‌شود که فلان رفتار همیشه پسندیده و رفتار دیگر همیشه ناپسند است. مرز این رفتارها دقیقاً مشخص می‌شوند. همچنین، در دنیا مفاهیمی

<sup>1</sup> Piterson

<sup>2</sup> Bisckiy

<sup>3</sup> Maio

<sup>4</sup> Mansted & Hostone

<sup>5</sup> Rokeach

<sup>6</sup> Babines

از قبیل اصول مسلم عقلی یعنی خیر و نیکی و حق و حقیقت ارزش‌های مطلق هستند، گر چه مصادیق آنها در دنیای محسوس، نسبی و تغییرپذیر بوده و به نوع جامعه و ارزش‌های آن بستگی پیدا می‌کند. عواملی مانند خانواده، جامعه، طبقات اجتماعی، اقتصادی و تحولات اجتماعی در تغییرپذیری ارزش‌ها مؤثرند.

خلاصه اینکه ارزش‌های اخلاقی، باورهای فرد هستند که وی در گروه‌های اجتماعی منسجم به اشتراک گذاشته و به رفتار درست و نادرست خود توجه کرده و بین آن دو تمایز قائل می‌شود. طبق دیدگاه ایلویو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) از دیرباز تفاوت بین دو سطح وجودی انسان - تقدس در مقابل کفر، موضوع مهم در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی تلقی می‌شده، اما به تازگی توجه خاصی به حوزه تصمیم‌گیری و قضاوت صورت گرفته است. اخیراً افراد زیادی به قضاوت و تصمیم‌گیری اخلاقی علاقه نشان داده‌اند.

کیفیت زندگی و چگونگی رفتار و مناسبات و روابطی که با دیگران داریم، مستقیماً متأثر از نظام ارزشی و اصول اخلاقی است که بدان پای‌بندیم. بدون تردید ارزش‌ها پایه و اساس زندگی آدمی به شمار می‌آیند (زارع، ۱۳۷۷)، معیاری جهت انتخاب می‌باشند و موجب برانگیختن تعهد و عمل می‌شوند (احمدی، ۱۳۷۸).

به طور کلی آدمی ارزش‌های خود را در نخستین سال‌ها و گام‌های زندگی از والدین و درون خانواده به عنوان نخستین نهاد و ارزش‌گذار و منتقل‌کننده ارزش‌ها دریافت می‌کند. به عبارتی فرزندان در جریان اجتماعی شدن، مجموعه قوانین، هنجارها و ارزش‌های خانواده و جامعه را به دست می‌آورند و از آن پیروی می‌کنند، اما این وضعیت دیری نخواهد پایید و پیچیدگی‌های زندگی امروز سیستم ارزشی آنان را دستخوش تغییرات زیادی خواهد کرد (احمدوند و رضایی، ۱۳۸۴).

نظام ارزشی در ساختار روان‌شناختی افراد به عنوان درونی‌ترین لایه شخصیت و هویت شکل‌دهنده پایه‌های نظام نگرشی و رفتاری آنان است. در اهمیت نقش و جایگاه ارزش همین بس که تمامی رفتارها، اعمال، مقاصد و نیت‌های انسانی از آن سرچشمه می‌گیرد و هر رفتاری تنها به این دلیل رخ می‌دهد که ارزشی بر ارزش دیگر غلبه می‌کند. به عبارت دیگر، انتخاب یک شق از میان شقوق موجود مستلزم مرتب کردن ترجیحات بر اساس سلسله مراتبی از ارزش‌هاست (فلاح، ۱۳۸۰).

شناخته‌شده‌ترین نظریه در زمینه رشد اخلاقی متعلق به کلبهگ<sup>۲</sup> است. بر اساس دیدگاه کلبهگ، افراد سه سطح از رشد اخلاقی (پیش‌عرفی، عرفی و پس‌عرفی) را تجربه می‌کنند. این نظریه دو نقطه ضعف اساسی دارد: الف) به قضاوت اخلاقی و نه رفتار اخلاقی اشاره می‌کند. تشخیص درست از نادرست به این معنی نیست که ما همواره طبق قضاوت و تشخیص خود رفتار می‌کنیم و ب) این نظریه در جامعه غربی کاربرد داشته و تحقیق در زمینه نکات فرهنگی و اخلاقی آن نشان می‌دهد که در سایر فرهنگ‌ها الزاماً کاربردی نیست (اسکات، ۲۰۰۴).

<sup>1</sup> Iliev et al.

<sup>2</sup> Kohlberg

چانگ‌لی‌هون<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) دیدگاه فلسفی - روان‌شناختی اخلاق را مطرح کرد. جنبه روان‌شناختی اخلاق شامل سه بعد تفکر، احساس و رفتار اخلاقی است. جنبه فلسفی اخلاق فرد بر مبنای اعتقادات معنوی او می‌باشد. این نظریه با دیدگاه آمل<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) همسو می‌باشد که وی معتقد بود ارزش‌ها پایه و اساس استانداردهای اخلاقی بوده و به عنوان سیستم اعتقاد درونی (وجدان) تأثیر به‌سزایی در کنترل رفتار انسان دارند. اخلاق هر فرد بر مبنای اخلاق جامعه است. تانگنی، استووینگ و ماشک<sup>۳</sup> (۲۰۰۷) برای درک پای‌بندی یا عدم پای‌بندی رفتار مردم به استانداردهای اخلاقی، جزئی از اخلاقیات را که به احساس اخلاقی مربوط می‌شود، معرفی کرد. احساسات اخلاقی باعث ایجاد نیروی انگیزشی برای ابراز رفتار مناسب یا اجتناب از بدی می‌شوند (کرول و ایگان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴؛ تانگنی، استووینگ و ماشک، ۲۰۰۷). فردی با رفتار مناسب دارای ارزش‌های اخلاقی قوی است. بنابراین، آگاهی از ارزش‌های اخلاقی با مفهوم تفکر اخلاقی نسبت به ارزش‌های شایسته مرتبط است. اما، گاهی فرد در شرایط استرس‌زا ممکن است رفتاری غیراخلاقی داشته و بر خلاف ارزش‌ها و سیستم اعتقادی خود عمل کند و توضیحات زیادی برای بیان تمایز بین تصمیم رفتار اخلاقی (نیت و قصد) و رفتار واقعی وجود دارد، حال آن‌که این بررسی بر ارزش‌های اخلاقی تأثیرگذار در رفتار تحت شرایط عادی توجه دارد (تانگنی، استووینگ و ماشک، ۲۰۰۷).

ارزش‌ها به افراد توانایی داوری و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های مختلف می‌دهد. بر پایه ارزش‌هاست که انسان‌ها نیازها و خواسته‌های خود را در کنش رو به رو سازماندهی و تنظیم می‌کنند و به ارزیابی رفتار خود و دیگران می‌پردازند. ارزش‌ها به اندازه‌ای در زندگی ما نفوذ دارند که راستای عمل خود را از آنها می‌یابیم، پیرامون خویش را تفسیر کرده و جایگاه خود را توجیه می‌کنیم (احمدوند و رضایی، ۱۳۸۴).

ارزش‌ها به‌عنوان طرح کلی برای تصمیم‌گیری به کار می‌روند و ملاک رفتار می‌باشند. آنها تبیین‌های بالقوه استواری از رفتار انسان فراهم می‌آورند که توسط آنها می‌توان رفتارهای مختلف نظیر رفتار مصرف‌کننده، رفتار سازمانی، کمک‌های خیریه، اعتیاد و... را پیش‌بینی کرد. افزون بر اینها سامانه ارزشی فرد می‌تواند در موقعیت‌هایی همچون گزینش رشته تحصیلی، انتخاب شغل، تصمیم‌گیری در ازدواج، انتخاب شیوه زندگی و احتمالاً پیشگیری یا دچار شدن به برخی آسیب‌های روانی دخالت داشته باشد (احمدوند و رضایی، ۱۳۸۴).

افراد بدون داشتن ارزش‌های مناسب در دنیا احساس بیگانگی می‌کنند و هویت، ارزش و اهمیت خود را از دست می‌دهند (هرگنهان<sup>۵</sup> و اولسون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹). ارزش‌ها علاوه بر داوری‌ها، الهام‌بخش

<sup>1</sup> Chang Lee Hoon

<sup>2</sup> Amla

<sup>3</sup> Tangney, Stewing & Mashek

<sup>4</sup> Kroll & Egan

<sup>5</sup> Hergan han

<sup>6</sup> Olson

رفتارها نیز هستند. ارزش‌ها بر رفتارهای افراد اثر می‌گذارند و به‌عنوان عاملی برای ارزیابی کنش دیگران به شمار می‌روند. ارزش‌ها معمولاً گسترده و انتزاعی هستند و رفتار را در موقعیتی واقعی دیکته می‌کنند (فلاح، ۱۳۸۰). ارزش‌ها از یک سو راهنما و تعیین‌کننده گرایش‌های اجتماعی و ایدئولوژی‌ها و از سوی دیگر تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی هستند که در آداب و رسوم، قوانین و اعتقادات و اصول مقدس و شیوه‌های زندگی روزمره تجلی می‌یابند (مارکوس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴؛ به نقل از نیکوگفتار، ۱۳۸۶).

ارزش‌ها از دیدگاه اسلامی عبارتند از: باورها، اعتقادات و ایمان اسلامی، خواه به شکل احکام اسلامی بیان گردیده باشند، خواه به صورت اصول اعتقادی و یا قواعد فقهی (احمدی، ۱۳۷۸). ارزش در مفهوم وسیع خود اعم از اصول، قواعد، نظام‌ها، احکام و گزاره‌های مهم، ارزش‌های دنیوی و اخروی، ارزش‌های شخصی و نوعی، ارزش‌های فردی و اجتماعی، ارزش‌های دینی و غربی و ارزش‌های علمی، فرهنگی و هنری و... است. ارزش‌های اسلامی معمولاً دارای ویژگی‌های زیر می‌باشند:

- ۱- ارزش‌های هر جامعه همگون و مشترک هستند، اگر چه با ارزش‌های جوامع دیگر متفاوت باشند.
  - ۲- ارزش‌ها با عواطف و احساسات همراه هستند، اگر چه خود از سنخ هست‌ها و باید‌ها و یا هر دو باشند.
  - ۳- ارزش‌ها معمولاً ثابت و بادوام هستند، ولی ارزش‌های متغیر نیز وجود دارند.
  - ۴- ارزش‌ها به قضاوت شخصی افراد وابسته نیستند و ناشی از قضاوت نوعی وجدان اجتماعی، وجدان فردی (فطرت)، عرف، محیط و وحی الهی می‌باشند (احمدی، ۱۳۷۸).
- ارزش‌ها از نظر اسلامی به دو دسته ارزش‌های ثابت یا فردی و ارزش‌های نسبی یا اکتسابی-محیطی تقسیم می‌شوند. حق‌جویی، عدالت‌طلبی، زیبایی‌دوستی و کمال‌گرایی، صداقت، ابتکار و نوآوری، عبودیت و خدامحوری و... از اصول ثابت اخلاقی و فطری می‌باشند و ارزش‌های مکانی، زمانی، محیطی، تاریخی، عرفی و... نسبی و متغیر هستند (مطهری، ۱۳۵۲).
- نتایج تحقیقات متعدد در ایران و خارج از کشور نشان داده که دخالت نظام ارزشی فرد در اغلب موقعیت‌ها و موارد ذکر شده می‌تواند مهم باشد. با توجه به اثرات عمیق و پایدار عوامل ارزشی بر رفتار و ارتباطات متقابل اعضاء جامعه و با در نظر گرفتن این مسئله که مبحث ارزشی در گذشته فقط در حوزه مذهب و فلسفه بررسی شده و امروزه علاوه بر آن در رشته‌های دیگری نظیر جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، مشاوره و روان‌شناسی مورد بحث واقع شده است، شناخت و مطالعه دقیق اثرات گسترده آن قابل توجه است. ضرورت و اهمیت فوق‌العاده ارزش از منظر روان‌شناسی در این است که ارزش به عنوان جنبه‌ای از شخصیت در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند بر ابعاد مختلف

<sup>1</sup> Markus

وجودی، رفتار و اعمال انسان، اهداف و شیوه زندگی اثرات پایداری به جا گذارد و شناخت آن معیاری در جهت شناسایی رفتار آدمی است (احمدی، ۱۳۷۸).

بنابراین، پژوهش و بررسی در راستای مبحث ارزشی و چگونگی تأثیرگذاری آن بر سیستم رفتاری فرد و ارتباط آن با محیط و اعضاء جامعه ضروری به نظر می‌رسد. گسترش مقیاس ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان<sup>۱</sup> بر پایه دیدگاه جهان‌شمول اسلام می‌باشد. فلسفه اسلامی درباره آزادی مربوط به ارزش‌های اخلاقی فضیلت است که بیانگر عمل اخلاقی می‌باشد. جهان‌بینی اسلامی که به سه بُعد ارزش‌های محوری اسلامی توجه دارد، به عنوان مهمترین اصل در این پژوهش استفاده شده است. محمد وحیونی<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) بر پایه بررسی‌های صورت گرفته، در کتاب خود به سه بعد ارزش‌های محوری اشاره می‌کند: ارزش‌های مربوط به رشد شخصی یا خود، ارزش‌های مربوط به دیگران یا جامعه و ارزش‌های مربوط به خدا یا معنویت. این ارزش‌ها بر مبنای ارزش‌های سنتی اسلامی به نه محور فرعی طبقه‌بندی شده‌اند. درحالی‌که ارزیابی تعداد محدودی از جنبه‌های رفتار گسترش یافته است، اخیراً پژوهشگران مسلمان به مسائل مربوط به ارزیابی ارزش‌ها توجه خاصی نشان داده‌اند (مونا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). از این رو، هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان است.

## روش

روش این پژوهش از نوع زمینه‌یابی و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی و بالاتر کشور بود. از میان کل دانشگاه‌های کشور، دانشگاه‌های شهید بهشتی، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، تهران، امیرکبیر، سیستان و بلوچستان، فردوسی مشهد، کردستان و گیلان با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند و ۱۲۰۰ دانشجوی (۶۵۰ دختر و ۵۵۰ پسر) مشغول به تحصیل در دانشکده‌های مختلف دانشگاه‌های مزبور نمونه پژوهش را تشکیل دادند.

## ابزار پژوهش

در این پژوهش از سیاهه ارزیابی ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان عبدالله، صالح، محمود و عبدالغنی<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) استفاده شد که آلفای کرونباخ در پژوهش عبدالله و همکاران (۲۰۱۰) ۰/۸۴ به دست آمده بود. ابزار مذکور دارای ۴۸ گویه و چهار خرده‌مقیاس (خود-معنویت، خود-جامعه، جامعه-معنویت و خود) می‌باشد. گویه‌ها در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱=هرگز، ۲=گاهی، ۳=همیشه، ۴=اکثراً و ۵=هر وقت پیش بیاید) نمره‌گذاری می‌شوند.

<sup>1</sup> Moral Value Inventory for Muslim Adolescents

<sup>2</sup> Muhamad Wahyuni

<sup>3</sup> Muna

<sup>4</sup> Abdullah, Salleh, Mahmud & Abdul Ghani

برای بررسی روایی سیاهه ارزیابی ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان از روش روایی صوری و روایی سازه استفاده شد. برای بررسی روایی صوری پس از ترجمه و بازترجمه توسط اساتید زبان انگلیسی، پرسشنامه در اختیار ۶ روان‌شناس قرار گرفت تا نظرات خود را در مورد محتوای ظاهری عنوان کنند. پس از جمع‌آوری نظرات این متخصصان و انجام تغییرات لازم، پرسشنامه به ۴۰ فرد از جمعیت عمومی داده شد تا مشخص کنند کدامیک از عبارات قابل فهم نیستند. سپس با اعمال نظرات این افراد، پرسشنامه نهایی طراحی و برای بررسی مشخصات روانسنجی روی ۱۲۰۰ نفر از دانشجویان اجرا شد. به این ترتیب، پرسشنامه ایرانی نیز شامل ۴۸ گویه است که شرکت‌کننده‌ها باید به میزانی که هر جمله توصیف‌کننده آنهاست به گویه‌ها در طیف ۵ درجه‌ای از «هر وقت پیش بیاید» تا «هرگز» پاسخ دهند.

### یافته‌های پژوهش

در این قسمت نتایج مربوط به بررسی خصوصیات روانسنجی سیاهه ارزیابی ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان ارائه می‌شود. جهت بررسی روایی سیاهه ارزیابی ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان از روش تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی استفاده شد که خلاصه نتایج تحلیل عاملی تأییدی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- شاخص‌های نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری در آزمودنی‌های پژوهش

مقدار	شاخص‌های نیکویی برازش
۰/۰۷	RMSEA
۰/۹۷	IFI
۰/۹۰	AGFI
۰/۹۷	CFI

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، مقادیر RMSEA، IFI، AGFI و CFI نشان‌دهنده برازش خوب مدل در تعیین عاملها است، به همین دلیل داده‌های حاصل در معرض تحلیل عاملی اکتشافی نیز قرار گرفتند. جهت آزمون میزان تبیین شدن واریانس درون داده‌ها توسط عوامل و تأیید توانایی عاملی بودن داده‌ها در آزمودنی‌های پژوهش از اندازه کفایت نمونه‌گیری و آزمون کرویت بارتلت استفاده شد که نتایج حاکی از آن بود که اندازه کفایت نمونه‌گیری  $KMO^1$  در آزمودنی‌های پژوهش تقریباً برابر با ۰/۹ است که اندازه خوبی است و نشان می‌دهد واریانس درون داده‌ها توسط عوامل تبیین می‌شود. همچنین، سطح معنی‌داری در آزمون کرویت بارتلت کوچکتر از ۰/۵ بود که

<sup>1</sup> Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

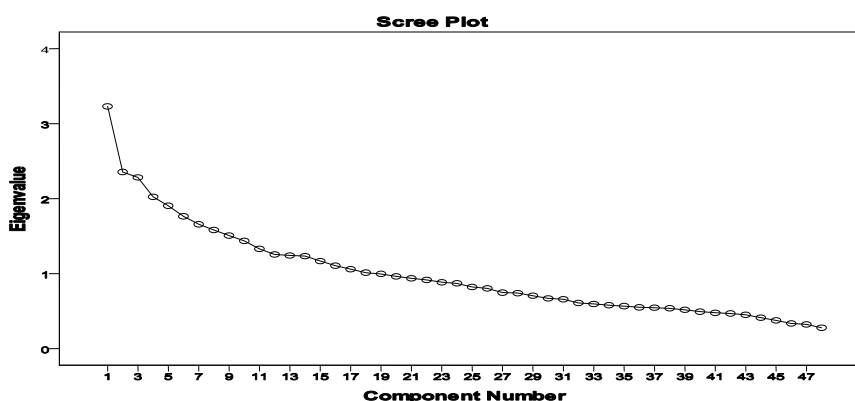


مؤید توانایی عاملی بودن داده‌هاست. همچنین، کل واریانس تبیین شده به وسیله راه حل تحلیل عاملی و نمودار اسکری<sup>۱</sup> نشان داد که پس از انجام چرخش واریماکس<sup>۲</sup> چهار عامل دارای مقدار ویژه بزرگتر از ۱ هستند که خلاصه نتایج آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- محاسبه مقدار ویژه عوامل به وسیله راه حل تحلیل عاملی در آزمودنی‌های پژوهش

مقدار ویژه	عامل‌ها
۱۴/۷۵	اول
۲/۶۷	دوم
۲/۳۵	سوم
۲/۰۵	چهارم

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مقدار ویژه عامل‌های اول، دوم، سوم و چهارم به ترتیب برابر با ۱۴/۷۵، ۲/۶۷، ۲/۳۵ و ۲/۰۵ می‌باشد.



همچنین، نتایج مربوط به بار عاملی در گویه‌های مربوط به چهار عامل به دست آمده نشان داد که در آزمودنی‌های پژوهش ۲۷ گویه (گویه‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸) روی عامل اول، ۱۱ گویه (گویه‌های ۱، ۲، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶) روی عامل دوم، ۴ گویه (گویه‌های ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۱) روی عامل سوم و ۶ گویه (گویه‌های ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۴۲، ۴۳، ۴۵) روی عامل چهارم قوی‌ترین بارها را داشتند که این عوامل به ترتیب تحت عنوان «خود-معنویت»، «خود-جامعه»، «جامعه-معنویت» و «خود» نامگذاری شدند.

<sup>1</sup> Scree Plot

<sup>2</sup> Varimax rotation

به منظور برآورد پایایی مقیاس و مؤلفه‌های آن از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده گردید که خلاصه نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳- ضرایب آلفای کرونباخ در آزمودنی‌های پژوهش

عوامل	مقدار آلفای کرونباخ
خود- معنویت	۰/۹۲
خود- جامعه	۰/۸۷
جامعه- معنویت	۰/۷۴
خود	۰/۷۴
کل مقیاس	۰/۹۵

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، ضرایب آلفای کرونباخ حاکی از آن است که مقیاس از پایایی مناسبی برخوردار می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به هدف پژوهش که بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی سیاهه ارزش‌های اخلاقی جوانان مسلمان بود یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی حاکی از روایی قابل قبول مقیاس و نتایج حاصل از ضریب آلفای کرونباخ نشان دهنده پایایی رضایتبخش آن بود. نتایج این پژوهش همسو با تحقیق مهربابی‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) و وحیونی (۲۰۰۷) می‌باشد.

این پرسشنامه می‌تواند اطلاعاتی مفید در اختیار مشاوران، اساتید و والدین جهت درک و کمک به جوانان در ایران قرار دهد. در مجموع، شواهد حاکی از کفایت نسبی سیاهه ارزش‌های اخلاقی در جوانان مسلمان است که ابعاد مختلف ارزش‌های اخلاقی را می‌سنجد و همسو با ادبیات پژوهش، ارزش‌های اخلاقی را به چهار بعد تفکیک می‌کند. بنابراین، همچنانکه سازندگان اصلی سیاهه ارزش‌های اخلاقی در جوانان مسلمان مطرح می‌کنند، این ابزار جهت سنجش سازه ارزش‌های اخلاقی مناسب است و ضمن برخورداری از دقت بالا، پوشش کاملی از عوامل موجود در این سازه را فراهم می‌کند. بنابراین، استفاده از آن به پژوهشگران حوزه ارزش‌های اخلاقی خصوصاً در جوانان مسلمان توصیه می‌گردد.

### منابع

احمدوند، علی و رضایی، عباس. (۱۳۸۴). مقایسه و تعیین میزان همخوانی اولویت‌های ارزشی دانش‌آموزان دبیرستانی استان لرستان و والدین و آموزگاران آنها. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، ۲، ۳۲-۴۱.

- احمدی، احمد. (۱۳۷۸). تهیه و هنجاریابی آزمون نظام ارزشی دانشجویان و بررسی رابطه آن با پیشرفت تحصیلی و سلامت روانی آنان. رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی.
- دلخوش، محمدتقی. (۱۳۸۴). شناسایی محتوا و ساختار ارزشهای انسانی در دانشجویان ایرانی. فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، ۵، ۴۸-۴۰.
- زارع، خداداد. (۱۳۷۷). بررسی ارتباط جهت‌گیری ارزشی و تعهد سازمانی کارکنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- صادقی، منصوره و حیدری، محمود. (۱۳۸۴). بررسی سلسله مراتب نظام ارزشی نوجوانان دانش‌آموز در شیوه‌های فرزندپروری مختلف. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳، ۲۸-۲۲.
- عرفانی، ناهید. (۱۳۸۴). مقایسه گرایش ارزشی اولیاء و جوانان خانوارهای شهرستان سمنجان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱، ۶۴-۵۶.
- فلاح، محمود. (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه نظام ارزشی و ویژگی‌های روانی- رفتاری دانش‌آموزان دختر و پسر سال اول متوسطه شهرستان مهاباد بزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۰). انسان در قرآن. قم: انتشارات صدرا.
- ملکی، امیر. (۱۳۸۴). بررسی نظام ارزشی جامعه ایران با تکیه بر نظریه نوسازی و تغییرات/ اینگلهارت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- مهرابی‌زاده، مهناز، محمودی، مهدی، شکرکن، حسین و تجاریان، باقر. (۱۳۸۳). مقایسه نظام ارزشی و نگرش‌های دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر اهواز با والدین و نزدیک‌ترین دوستان همکلاسی. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳، ۵۶-۴۵.
- نیکوگفتار، منصوره. (۱۳۸۶). رابطه بین سلسله‌مراتب ارزش‌ها و سلامت عمومی. پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۰، ۶۸-۶۰.

Abdullah, S., Salleh, A., Mahmud, Z., & Abdul Ghani, S. (2010). A validity and reliability study on a newly developed Moral Value Inventory for Muslim Adolescent (MVIMA). *Social & Behavioral Sciences*, 7, 106-112.

Amla, M.S. (2008). *Menyemai nilai untuk masyarakat harapan*. Prentice-Hall.

Chang Lee Hoon. (2004). *Pendekatan terkini dalam pendidikan moral*.

Hergan han, B. R., & Olson, M. H. (1999). *An introduction to theories of personality*. Prentice-Hall.

Iliev, R., Sachdeva, S., Bartels, D. M., Joseph, C., Suzuki, S. & Medin, D.L. (2009). Attending to Moral Values, *Social & Behavioral Sciences*, 8, 125-135.

Kroll, J., & Egan, E. (2004). Psychiatry, moral worry, and moral emotion. *Journal Psychiatry Practice*, 10, 352-360.

Maio, G. F. (1998). Values, evidence and implications. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 294-311.

- Mansted, A., & Hostone, M. (1996). *The black well Encyclopedia of social psychology*. Blackwell Press.
- Muna, S. A. (2010). *The development of adolescence the career decision making indicator (CDM) and it's relation to "Big Five" personality*. Ph.D. Thesis, University Kebangsaan.
- Rokeach, M. (1973). *The nature of human values*. New York: Free Press.
- Scott, D. A. (2004). *A character education program: Moral development, self-esteem and at rick youth*. Ph.D. Thesis, North Carolina State University.
- Tangney, J. P., Stuewig, J., Mashek, J. D. (2007). Moral emotion and moral behaviour. *The Annual Review of Psychology*, 58, 345-372.
- Wahyuni, M. (2007). *Yakin diri: 9 jalan cerdas emosi dan cerdas spiritual*. Kuala Lumpur: PTS Publication.